



۲۰۲۱/۰۱/۲۱



صلاح الدین سعیدی

## قابل توجه حاکمیت افغانی و رئیس جمهور افغانستان!

### سیم خاردار و دروازه های پاکستانی در داخل افغانستان را غیرقانونی و ملغی اعلان کنید!

در مورد خط و خال یار آنقدر سروده اند که دارد دیگر موضوع برای بحث و سرودن نیست، به عمل و خواستگاری باید رفت. معمولاً مدعی کسی است که خواهان حق است. و اگر کسی ادعای دارد باید آنرا ثابت کند. اما سرزمین ما و ما برای وجود آفتاب ضرورت به آوردن دلیل نداریم. کسیکه منکر آفتاب است باید برای آن دلیل بیاورد. برای ما و جهان همین کافی است که جانب استعمار وقت به جانب افغانی و شاهان افغانی راه مذاکره و تحمیل خواست خود در مورد سرزمین های آنطرف خط فرضی در نقشه دیورند را در میان گذاشت. بلی چرا این مسأله را به کدام جانب دیگری در منطقه مطرح نه کرد؟ جانب استعمار وقت عملاً با تهدید فیزیکی حضور نظامی در شرق و جانب هرات، تهدیدات مادی و معنوی طرح خود را تحمیل کردن میخواست و مطرح کرد تا این سرزمین ها را مطابق ماده اول سند موجود ( بنام تفاهمنامه دیورند لاین) ساحه فاصل ( بفرزون) بسازد و ساحه فاصل و بفر ملکیت مقابل شده نمی تواند نیست ( مراجعه شود به مقدمه ماده اول این تفاهمنامه و مراجعه شود به گوگل در تعریف بفرزون و حدفاصل در تاریخ در بین کشورها) . این حالت به ذات خود سند است که این سرزمین ها از افغانستان و افغانها میباشند. سرمار تیمور دیورند وزیر خارجه هند برتانوی در چندین مناسبت حتی بعد از مأموریت خویش به صراحت اظهار داشت که این سرزمین ها جانب شرق خط فرضی دیورند، متعلق به هند برتانوی نیست. این سرزمین ها در نقشه رسمی هند برتانوی شامل نبود تا در تقسیم ۱۹۴۷م. تقسیم میشد.

برای فاسخ بودن، باطل بودن، نبود قانونی توافق و تفاهم بنام «دیورند لاین» از لحاظ شکل، محتوی، پرسیجری، زمانی، در نقطه صفری ( و وید) و بعدی ( و وید ابل) دهها سند وجود دارند.

- ضمیمه دوم معاهده راولپندی و توافقات بعدی آن در کابل ۱۹۲۱م. که طی نامه رسمی وزارت خارجه بریتانیا کبیر تمام توافق و معاهدات قبلی بین جانب افغانی و هند برتانوی و انگلیسها را به شمول تفاهمنامه «خط دیورند» لغوه اعلان کرد، اسناد رسمی حتی در ارشیف رسمی انگلستان همین حالا وجود دارند.

- اعتبار توافقات بعدی بین حکومت افغانی و جانب انگلیسی برای سه سال اعتبار داشت که بعد از سال ۱۹۲۴م. هر جانب حق فسخ را داشتند. و این سند وسایر اسناد مشابه در ارشیف ملی انگلستان فعلاً وجود دارند.

- جانب افغانی در طول تاریخ از قیام بنو تا امروز در عمل این خط مصنوعی و فرضی را مردود شمرده، در همان زمان عضویت پاکستان در ملل متحد علناً مخالفت کرد و بعد از بمباردمان قریه مُنگلی در شرق افغانستان توسط

طیارات پاکستان، لویه جرگه افغانستان (۱۹۴۹ م.) تمام معاهدات و تفاهمنامه های مذکور را به شمول «خط دیورند» نام گرفته لغو و فسخ اعلان کرد.

-حقوقدان کابینه و حکومت انگلستان به اساس درخواست حکومت انگلستان در سال ۱۹۵۱ م این تفاهمنامه و قایمقام ساختن پاکستان را در منطقه برای انگلستان غیر مشروع و غیر قانونی خواند و گفته اگر جانب افغانی به مجامع بین المللی مراجعه کند، به نفع کشور انگلستان نه خواهد بود، قایمقام ساختن در ملک غیر و ... و این سند مطابق قانون انگلستان برای ۵۰ سال سری بود و حال افشاء شده و در ارشیف ملی انگلیستان وجود دارد.

-این همه و همه اسناد ثابت میسازد که تفاهمنامه، سند، توافق بین حاکم و محکوم ( اگر توافق هم باشد ۱۹۹۳ م.)، آزاد و تسخیر شد ( استقلال افغانستان در سال ۱۹۱۹ م. داده شده)، اصلاً در همان نقطه صفری ( وویید) و بعد به اساس انکشافات بعدی ( وویید ایل) باطل و فاسخ بوده و برای هردو حالات اسناد کافی وجود دارند. این خط از لحاظ قانونی ( دی پوره- دی جوهره) و در روی زمین ( دیفکتو) وجود نداشته و ندارد. و کمیته که در سال ۱۸۹۳-۱۹۹۷ م برای ایجاد بفر زون و حد فاصل هم که ایجاد شد، کار خود را تمام نه کرد. در موارد زیاد حتی به همان بفر زون و حد فاصل هم امیر عبدالرحمن اعتراض کرده و گفته این همان نقشه نیست که برایش نشان داده شده و جانب انگلیسی هم رسماً قبول کرده بود که آنرا اصلاح میکند، اما نه کرد.

- رسیدگی مریض و مرض، معضل شناخت مسلکی و کار فنی میخواید و کار مردم عوام نیست بلی متخصص فن کار دارد. رسیدگی به این مسأله هم چنین است.

به این ترتیب من و دهها حقوق دان کشور حاضر و آماده اند که این مسأله را در محاکم جهانی در صورت مطرح شدن، سند برای اثبات آفتاب آرایه کنیم. دوست من آنرا به محکمه جهانی عدالت پیشکش کرده بود که در جواب برایش گفته شد که این دعوا را باید افغانستان تقدیم کند. اگر استدلال شود که پاکستان قوی است و زور ما نمی رسد و حال خط تیر شده، وقت است و بدهید که از شر خلاص شویم و بنگله دیش رسماً جز پاکستان شناخته شده و برا برا برای هر یک جواب و توضیح وجود دارد و میدانیم که استابلشمنت پاکستان به نام جهاد و طالب کسی را در دست دارد و ماین چسپکی دارد و ترور میکند.

اما در عمل دیدیم که این ترور و دهشت با قبول دروازه و سرحد پاکستان در داخل افغانستان نه تنها که ختم نه شد، بلکه اضافه هم شد.

امریکا و جهان باید بدانند که جنگ افغانستان جنگ ماین چسپکی و بوشکه ای است. و برای تهیه این دو ضرورت به سیم خاردار و ایجاد سرحدات بین افغانستان و پاکستان در داخل خاک افغانستان و عذر و زاری به پاکستان نمی شود و نه خواهد شد. پاکستان میداند که غیر مشروع در سرزمین بیگانه وجود دارد و این سوته گاو شیری ترور و دهشت را به عذر و زاری از دست نه خواهد داد.

برطالبان است تا به توافقات در چوکات مذاکرات سیاسی برسند تا در عمل از آله دست برای اهداف پاکستانی در افغانستان و منطقه خارج شوند و افغانستان دیگر ضرورت به نیروهای اجنبی و عساکر شان ضرورت نداشته باشد. این به معنای تسلیمی نیست. به صورت مشخص اگر به یک تبع و یک شهروند یک رأی همه جوانب توافق کنند و اعتقاد دارید که بشریت چیزی دیگری غیر ازین ندارد و دیگر پیامبران هم ظهور نمی کنند.

**راه حل: آماده گی لازم** برای انتخابات قبل از وقت شفاف در قید زمانی مشخص در یک سال آینده هم پارلمانی و هم ریاست جمهوری است. رفتن به انتخابات آزاد، شفاف و تحت نظر قانون و اراده ملت مسلمان افغان در چوکات اسلام روشن است. ملاء، عالم، روحانی، جهادی، روشنفکر و پیشتاز جامعه ملت ما را در انتخابش مساعدت خواهد کرد اما حق تعویض ملت را در لویه جرگه های تاریخ زده و دیگر راه های کوتاه بن و قطر و ( حل و عقد) که تصمیمی در غیاب ملت بر ارزشها باشد، ندارد.

برای مستند سازی طرح های فوق مستندات زیاد و تفصیل وجود دارند و برای تمام این گفته ها و مستندات خود را ارائه کنیم.

و اما واپس به سیم خار دار پاکستانی که سکوت حاکمیت افغانی و به نحوی زمینه سازی برای تحقق آن با برداشتن کادر های ملی درین مناطق به فرمایش دیگران حرکت و روش نادرست بوده و سبب فاصله بین حاکمیت افغانی و تعداد زادی از ملی گرایان به این حاکمیت شده است. درین لحظه همان قسمیکه منطق دیوار مکسیکو غلط بود و غلط است. بلی جنگ و ترور در افغانستان و امنیت افغانستان با ایجاد سرحدات پاکستانی در افغانستان برگشته نتوانست و نمی تواند. پاکستان دارد از موضوع به سوته طالب ( به اجازه و یا بدون اجازه شان ) و تروریزم و جهاد سوء استفاده کرده و میکند.

**بر حاکمیت افغانی و جناب داکتر محمد اشرف غنی رئیس جمهوری افغانستان که** به قول خود وفا کند که این زمان مناسب همین حالا است که ما سیم خاردار پاکستانی در داخل افغانستان را خط غیر مشروع و غیر قانونی میدانستیم و میدانیم و خلاف خواست ملت افغان، خلاف شرف و عزت افغانها دانسته و این عمل را غیر مشروع میدانیم. از لحاظ حقوقی اگر این مال و ملکیت غیر که در سرزمین ما بدون اجازه ما کشیده شده مورد حمله قرار میدهد برای جانب افغانی مورد پیگرد عدلی و قضایی قرار نمی گیرد.

بر پاکستان است که کشور خود را از وجود تمام افراد و حلقات نظام برانداز و مخرب ضد افغانی خالی کند. جانب امریکایی و جهان باید درین راستا بخاطر هم ادای رسالت کنند که افغانها در خط اول جبهه با تروریزم و آزادی جهان از سیستم های توتالیتره مبارزه کرده اند و قربانی داده اند.

جانب حاکمیت افغانی باید به صورت روشن بداند که سطح پشتیبانی و حمایت انسان با عزت و خدمتگار وطن در برابر احزاب، سازمانها، نظریات سیاسی و حاکمیت بر اساس این است که این احزاب، سازمانها و حاکمیت برای ملت و وطن چه برنامه ها دارند و درین راستا چه کارهای را روی دست دارند، موقف شان در برابر مسایل ملی چیست؟ و در عمل به این مسایل چگونه برخورد میکند/میکند؟

ما به احزاب، سازمانها، شخصیت ها، نظریات و حاکمیت افضلیت میدهیم و از آن حمایت میکنیم که برای ما صلح و استقرار می آورد، در وطن خود بر امور خویش مسلط باشیم و برای تسلط ملت بر حاکمیت کار میکند. حاکمیتهایکه در عقب دیوار های آهنین و سمنتی مخفی شده و برای منافع و مصالح وطن و مردم آن کار نمی کند قوت لازم برای کار و خدمت ندارد و از ملت تجرید میباشد. درین پروسه و لو در آغاز کار برای تحقق آن با تمام قوت با وجود موانع داخلی و خارجی کار میکنند، طرف اعتماد مشروط ملت است. لازم است حکومت اولاً در قول و در وقت مناسب بدون ضیاع وقت در عمل کار متناسب کنند. درین راستا احساسات نه بلکی با تعهد، علم و دانش به موقع موانع را از پیش رو بر میدارند و عمل میکنند. حاکمیتهایکه برای آب، چوب، چلغوزه، معدن، سرک، بند، برق، انسان و آسایش ملت و کشور

برنامه دارد و یکی پی دیگر عمل میکند. در مسایل ملی و عزتی و دفاع از ناموس وطن کار دوامدار و پیگیر میکند، مورد پشتیبانی ملت خواهد بود.

دفاع از ناموس وطن تمامیت ارضی کشور و دفاع از آن وجبیه حاکمیت افغان و تمام مردم با عزت کشور و بیشتران جامعه به شمول مدعیان خدمت به کلمه الله و وطالبان است.

در تناقض به حالت فوق و در کاریکه که در زمان امیر عبدالرحمن خان و هیچ شاه و حاکمیت قبلی نه شده بود اینک پاکستان توانست با تمام فریب و خدعه با استاده کردن دروازه های غیر قانونی و کشیدن سیم خاردار و در عمل سرحدات پاکستانی در داخل افغانستان که به صورت مکار، با فریب امریکا، سوتۀ ادامه ترور و دهشت و با سوء استفاده از جهاد مقدس و مجاهدین توسط پاکستان به کار گرفته میشد و این به اوج میرسید. بیشتر از ۸۵٪ سیم خار دار تکمیل شده و ما درین راه شهدای زیادی به شمول جنرال عبدالرازق شهید و دهها مغز متفکر خوب کشور خود را به صورت مستقیم و غیر مستقیم از دست دادیم و این پروسه ادامه دارد.

اگر پاکستان توانست با اساس برنامه جنرال زید حامد به مناطق بین افغانستان و پاکستان را راکت باران و مردم این مناطق را کوچ دهد، و به تدریج تحت نام کاذب دیورندلین درین حوالی سرحدات خود به پشتیبانی سیاست دیوار مکسیکو و به مصارف امریکا اعمار کند و پاکستان توانست امریکا را فریب دهد که این برای امنیت افغانستان کمک میکند مرمی و مصارف این و میشود باید ازین وضع نتیجه گرفت و به جانب پاکستانی نه گفت.

امریکا و جهان باید بدانند که با به راه اندازی خط کاشغر - گوادر پاکستان در حلقوم کشور چین فرو میرود و کسی نیست که پاکستان را در عالم اسباب ازین استقامت نجات دهد.

امریکا و جهان باید بدانند که اگر مانند سوریه یگانه متحدین گردی خود را در افغانستان با جفا در حق شان از دست بدهد افغانستان مودل و امکان دفاع هند، ایران، سپاه پاسداران و فاطمیون و مرتبط به آن روسیه، دارد که درین صورت برای جانب امریکایی بدتر از آن خواهد شد که تا حال در اعتماد به استابلشمنت پاکستان فریب خورد و دارد که هر چه بیشتر غرق میشود.

مردم ملت‌های نامتجانس در پاکستان موجود غیر مشروع و غیر متجانس که به زور شمشیر در عقد نکاح ناجایز نگه داشته شده به قیام ها میروند و حقوق خود را که پنجاب بر آن سینه انداخته میطلبند و دیگر بر تسلط پنجاب نه گفته و دیگر قبول ندارند و حقوق خود را خواهان اند.

راه حل گرفتن و کشیدن بمب اتوم از دست پاکستان در مقابل قرضه های میلیاردی و دادن فرصت به چهار ملت مستقل در پاکستان ( پشتونها، بلوچها، سرائیکی ها، پنجابی ها) که سرنوشت خود را خود در دست بگیرند.

وقت آن رسیده که در برابر دسایس استابلشمنت پاکستان قدهلم کرد و حق خود را گرفت. افغانستان دیگر به پاکستان محتاج بند و برق و راه نیست. معادله تغیر کرده و پاکستان باید قیمت جنایات اجراء شده در حق افغانها را بپردازد.

صلح و استقرار از پاکستان به افغانستان آمده نمی تواند. از پاکستان جنگ، ترور و دهشت به افغانستان سرازیر شده و این پروسه ادامه دارد.

نباید به قول چند فرد ملکی که در پاکستان اصلاً صلاحیت ندارند باور کرد.

مسائل باید رویاروی و مطابق حق مطرح شده و مانع شرارت و پاکستان شده و از شرف وطن و امنیت مردم باید دفاع کرد.

آغاز کار در چوکات مصالحه سیاسی با طالبان و مخالفت با تحمیل سرحدات پاکستانی در داخل افغانستان است. افغانستان درین زمینه امکانات بالقوه زیاد داشت و دارد که باید بالفعل شوند.



[د صلاح الدين سعيدی نور و لینکو لپاره، پر عکس کلیک وکری](#)

